



10.30495/QSF.2023.1954523.2829

Research Article

Review of Quranic Principles of Mitigation of Punishment

Maryam Aghayi Bajestani¹, Keramat Pirnia^{2*} , Ali Rezvani³ 

Abstract

The application of cases related to mitigation of punishment or conversion of punishment, which should in some way be commensurate with the dignity of the accused and the crime he committed, In the discussion of mitigation of punishment, it is important that in the presence of various factors such as social status, cooperation with the court, criminal record, etc., the perpetrator be mitigated in such a way that the accused can have another opportunity for a successful future in life. Have your own.

Mitigation of punishment has been emphasized in many verses of the Qur'an; Such as a reduction in the duties of the Shari'ah when a person is in hardship or hardship or the free will of the guardians in the three matters (retribution, blood money and amnesty) which is a kind of reduction and also a reduction in the punishment of those who disobey in the Uhud war. Considering that repentance is a kind of mitigation and in general the Shari'a is based on the punishments of Hudud on mitigation, and thus repentance becomes a factor for mitigation in these punishments, so if a person who has committed a crime for which Hadd has become obligatory, if he repents, his punishment will be reduced; Among these limits, which are reduced by a person's repentance, are the limits of unprotected adultery and unmarried man, theft, qazf, moharebeh and apostasy.

Keywords: Discount, Punishment, Quran.

How to Cite: Aghayi Bajestani M, Pirnia K, Rezvani A., Review of Quranic Principles of Mitigation of Punishment, Journal of Quranic Studies Quarterly, 2023;14(54):97-120.

1. Department of Jurisprudence and Fundamentals of Law, Semnan Branch, Azad University, Semnan, Iran

2. Semnan Branch, Azad University, Semnan, Iran

3. Shahroud Branch, Azad University, Shahroud, Iran

Correspondence Author: Keramat Pirnia

Email: pirmia1391@gmail.com

Receive Date: 08.03.2022

Accept Date: 05.09.2023



بررسی مبانی قرآنی تخفیف مجازات

مریم آقایی بجستانی^۱، کرامت پیرنیا^{۲*}، علی رضوانی^۳

چکیده

اعمال موارد مربوط به تخفیف مجازات و یا تبدیل مجازات است که به نوعی باید با شأن و منزلت متهم و جرم ارتكابی وی مطابقت داشته باشد، در بحث تخفیف مجازات این مسئله مهم است که در صورت وجود عوامل مختلف از قبیل موقعیت اجتماعی، همکاری با دادگاه، سوابق کیفری و ... مجازات مرتکب را به نحوی مورد تخفیف قرارداد تا متهم بتواند با به دست آوردن فرصت دیگر آینده موفقی در زندگی خود داشته باشد. تخفیف مجازات در بسیاری از آیات قرآن مورد تأکید قرار گرفته؛ از جمله تخفیف در تکالیف شرعیه در زمانی که انسان در مشقت و سختی است و یا مخیر بودن اولیاء دم در امور سه - گانه (قصاص، دیه و عفو) که نوعی تخفیف محسوب میگردد و همچنین تخفیف در مجازات سرپیچی کنندگان در جنگ احد و
باتوجه به اینکه توبه، نوعی تخفیف می باشد و به طور کلی بنای شارع در مجازاتهای حدود بر تخفیف است، و بدین وسیله توبه نیز عاملی جهت تخفیف در این مجازاتها میگردد، بنابراین چنانچه شخصی که مرتکب جرمی شده که حد بر او واجب گردیده، اگر توبه نماید در مجازات او تخفیف داده خواهد شد؛ از جمله ی این حدود که با توبه ی شخص شامل تخفیف میگردد، حد زنای غیرمحصنه و مرد غیرمحصن، سرقت، قذف، محاربه و ارتداد است.

واژگان کلیدی: تخفیف، مجازات، قرآن

۱. گروه فقه و مبانی حقوق، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران.

۲. واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران

۳. واحد شاهرود، دانشگاه آزاد اسلامی، شاهرود، ایران

مقدمه و بیان مسئله

وقوع انقلاب اسلامی ایران و ایجاد حکومت جمهوری اسلامی ایران در این کشور تأثیر بسیار شدیدی در قوانین مختلف و از جمله قوانین جزائی به جای گذاشته است. با توجه به اینکه در بحث‌های جزائی پایه و اساس به نفع متهم رأی دادن هست، مباحث مربوط به تخفیف مجازات نیز دچار تحول شگرفی شده است. اصطلاحات جنحه و جنایت که در حقوق کیفری قبل از انقلاب مطرح بوده است، با تعاریف اسلامی به واژه‌هایی مانند حدود، دیات، قصاص و تعزیرات تبدیل گشته و فقه اسلام در قالب مواد مختلف قانون مجازات اسلامی پای در عرصه وجود نهاده است. با توجه به شدت عمل قانون‌گذار الهی در تعریف حدود، دیات و قصاص می‌توان گفت که مباحث مربوط به تخفیف مجازات در این موضوعات اصلاً مطرح نیست، بلکه در مباحث مربوط به تعزیرات که دامنه‌ی بسیار زیادی از جرائم را در برمی‌گیرد، از موارد مربوط به اعمال تخفیف مجازات است. بحث کیفیات مخففه و استفاده از آن دقیق و ظریف است و در اصلاح و درمان بزهکاران نقش چشمگیری دارد. چکیده تخفیف مجازات و عفو، وسیله گذشت و ابزار رأفت و محبت است که توسط قانون‌گذار، رئیس حکومت و گذشت اشخاص، در جهت حصول اهداف و مصالح خاص فردی و اجتماعی صورت می‌گیرد. عفو که شامل عفو خصوصی و عمومی می‌شود سبب از بین رفتن مجازات می‌گردد. پرواضح است که اتخاذ این تدبیر از جمله سیاستهای حکومتها در قبال جرایم و کیفرزدایی است که سابقه تاریخی و اسلامی دارد. در قانون مجازات اسلامی با توجه به شرایط و ویژگیهای خاصی، حاکم و یا دادگاه می‌توانند عفو نموده و یا تخفیف در مجازات دهند؛ از جمله این شرایط می‌توان به ویژگیهای خاص متهم، همکاری موثر وی، توبه پس از اقرار، وجود بیننه و عدم آن و... اشاره نمود. پژوهش حاضر، با روش تحلیلی توصیفی به موضوع «مبانی فقهی تخفیف مجازات و عفو در قانون مجازات اسلامی ایران» پرداخته شد.

بیان مسئله

قرآن و روایات در راستای رسالت اصلی خویش بر اصلاح و تربیت افراد و رساندن انسان‌ها به مقامات والای معنوی تأکید داشته و با ارایه بهترین شیوه‌ها علاوه بر سوق دادن انسان‌ها به سوی کمال نهایی و قرب الهی از ارتکاب جرایم و مفساد اجتماعی پیشگیری نموده و در این راه از حربه مجازات نیز به عنوان آخرین روش استفاده نموده است. هدف این پژوهش بررسی انواع و اهداف مجازات از دیدگاه قرآن و روایات می‌باشد که با استفاده از روش اسنادی انجام گرفت. وجود قوانین جزایی در مذهب برای تربیت بزه‌کاران و برقراری نظم در جامعه ضروری و لازم است، بشر هنوز موفق نشده است که از طریق اندرزگویی و ارشاد و سایر وسایل

آموزش و پرورشی، بتواند همه مردم را تربیت کند، با توجه به دلایل فوق باید پذیرفت که وضع مجازات‌ها و کیفرهای قراردادی برای اجتماعات بشری لازم و مفید می‌باشد. در مسائل کیفری، با توجه به رفتار متهم در مرحله تعقیب و تحقیق و دادرسی، گذشت شاکی و یا مدعی خصوصی و جبران ضرر و زیان ناشی از جرم و مواردی از این قبیل، قانون‌گذار به دادگاه اجازه داده است که در موارد محدودی، بزهکار را از کیفر مجازات معاف و یا تحت شرایطی قانونی در میزان مجازات وی تخفیف دهد. قانون‌گذار در بسیاری از موارد مجازات را به دلایلی، تخفیف می‌دهد و یا امکان اجرای آن‌ها را غیرممکن می‌سازد. این تخفیف‌ها تحت عنوان کیفیات مخففه قضایی و گاه نیز معافیت‌های قانونی مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

تخفیف مجازات

یعنی در مقام اعمال مجازات قانونی قاضی با توجه به وضعیت و شرایط وقوع جرم و اوضاع و احوال دیگر موضوع بتواند در صورت صلاحدید کمتر از حداقل مجازات قانونی متهم را محکوم کند و یا کیفر قانونی را به کیفر مناسب دیگری برای متهم تبدیل نماید. منظور از تخفیف مجازات این است که قاضی میزان مجازات را از حداقل تعیین شده در قانون کمتر خفیف‌تر نماید والا حکم مجازات به حداقل مجازات تخفیف مجازات محسوب نمی‌شود^۱

مبانی تخفیف مجازات

ممکن است اختیار دادگاه برای تخفیف مجازات مورد انتقاد قرار گیرد که این اختیار موجب سوءاستفاده احتمالی دادگاه می‌شد و موجب تجری مجرم خواهد بود و اثر مجازات را خنثی می‌کند و ... اما فواید زیادی نیز برای تخفیف مجازات بر شمرده شده است:

۱. مجازات باید با نوع جرم و شخصیت مجرم سازگاری داشته باشد و تخفیف مجازات می‌تواند این سازگاری را برقرار سازد و دادگاه میزان مجازات را با در نظر گرفتن این عوامل تعیین کند.
۲. عدالت اجتماعی اقتضاء می‌کند که همه مجرمان به یک نحو مجازات نشوند و قاضی می‌تواند با توجه به شرایط حاکم بر قضیه، عدالت مزبور را برقرار سازد.
۳. در برخی موارد افکار عمومی خواهان تخفیف مجازات برای مجرم است و چون افکار عمومی نقش مهمی در مجازات دارد باید دادگاه‌ها بتوانند با اختیارات خود به این افکار عمومی پاسخ دهند.

۴. قاضی، یک ماشین خودکار نیست که بدون داشتن اختیارات و به فرمان دیگری عمل کند بلکه باید دست او برای تعیین مجازات مناسب در مواقع مقتضی باز باشد و تخفیف وسیله‌ای برای آن مهم است.

۵. برابر تعریف ماده ۲۱۶ ق.م.ا. تعزیر، مجازاتی است که نوع و مقدار آن به نظر حاکم واگذار شده است؛ بنابراین در تخفیف مجازات نباید قاضی را محدود کرد و به همین دلیل است که قاضی می‌تواند تا حد دلخواه خود مجازات را تخفیف بدهد. البته این موارد تنها از یک جنبه که جنبه تخفیف مجازات است قابل دفاع است اما از جهت تشدید هم باید قاضی بتواند با توجه به نوع جرم و خصوصیات مجرم، مجازات را تا حد مقتضی تشدید کند درحالی‌که چنین اختیاری به قاضی داده نشده است.^۱

تخفیف مجازات و معافیت از آن

توسل به تخفیف یا تبدیل مجازات، وسیله‌ی مناسبی برای تعدیل کیفر و اجرای عدالت است. معنی حقوقی تخفیف مجازات، پایین آوردن کیفر از حداقل قانونی آن است. در مقابل تبدیل مجازات، تغییر ماهیت مجازات به نوع دیگر، مجازات مناسب‌تر به حال متهم است یعنی تبدیل حبس یا شلاق به جزای نقدی، ممکن است برای متهم مفید باشد.

در مورد کیفیات مخففه، دادگاه در صورت وجود شرایطی و کیفیاتی که علل و جهات آن را قانون‌گذار تعیین نموده است، می‌تواند مجازات مرتکب را در هر جرمی تخفیف دهد. معافیت از مجازات، موضوع معاذیر قانونی معافیت از مجازات است که با عوامل موجهه جرم متفاوت است. به‌طوری‌که طبق ماده‌ی ۱۵۶ ق.م.ا. ۱۳۹۲ دفاع مشروع رفتاری مجرمانه است که در صورت اجتماع شرایط چهارگانه‌ی مذکور در ماده‌قانون مزبور، مرتکب (و یا دفاع کننده) در مقام دفاع از نفس، عرض، ناموس، مال یا آزادی تن خود یا دیگری مجازات نمی‌شود. تبدیل اصطلاحات حقوقی «علل یا عوامل موجهه جرم» به معاذیر قانونی معافیت از مجازات، دفاع کننده را سال‌ها دچار مشکل می‌سازد؛ زیرا معافیت مرتکب از مجازات منوط به حکم دادگاه است که مرتکب را سال‌ها دچار تعقیب و تحقیق و حضور در مراجع قضایی می‌کند. تا دادگاه شرایط را احراز کند پس تسلیم به متجاوز و متعدی و پذیرش خفت با سلب حیثیت ممکن است موجب تسلیم و رضای قربانی به تجاوزات و تعدیات ستمگران شود.

پذیرش مصادیق عوامل موجه ی جرم مانند امر آمر قانونی، دفاع مشروع، عملیات جراحی یا طبی مشروع با رعایت موازین علمی و فنی و حوادث ناشی از عملیات ورزشی با رعایت ضوابط

قانونی و به‌طور کلی همه‌ی اقدامات مربوط به موانع مسئولیت کیفری می‌توانند با شرایطی، از رفتار مجرمانه سلب وصف جزایی کنند و از ابتدا رفتار مشروع و قانونی را از قلمرو رفتار مجرمانه خارج می‌سازند. تا امنیت جامعه و افراد در پناه انصاف و عدالت بتواند نظم اجتماعی را برقرار سازد.

از سوی دیگر، مراجع قضایی، اغلب با بزهکارانی مواجه می‌شوند که به جهات اقتصادی، فرهنگی، خانوادگی و امثال آن تعیین کیفر قانونی را نسبت به متهمان سنگین می‌دانند و قائل به تخفیف مجازات هستند. حتی ممکن است دادگاه‌ها برای پرهیز از محکومیت و اعمال کیفرهای قانونی ولی نامتناسب، بر صدور احکام برائت (متهمان واقعاً مرتکب) بیفزایند.

در این مقاله، سعی شده به بیان مبانی قرآنی تخفیف مجازات پرداخته شود. این پژوهش برآن است علاوه بر آیات قرآن از تفاسیری همچون تفسیر المیزان، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، تفسیر مجمع البیان فی تفسیر القرآن..... برای شرح، توضیح و مؤید مطالب استفاده کند. ابتدا مبانی قرآنی تخفیف مجازات و تفاسیری در این زمینه بیان خواهد شد، سپس به ذکر مبانی قرآنی عفو در فصل بعد پرداخته خواهد شد.

آیات قرآنی که در ارتباط با تخفیف میباشند به نحوهای مختلفی در قرآن آمده است، در برخی از این آیات خود لفظ تخفیف بیان شده مانند آیه ۱۷۸ بقره، بعضی دیگر از آیات در زمینه - ی توبه میباشند، با توجه به اینکه پیامبر اکرم - میفرمایند: «من از خداوند برای امتم تخفیف خواستم و خداوند به من فرمود: در توبه (به روی امت) تا دمیدن صور (در روز قیامت) گشوده شده است». (عاملی(حر)۹۱/۱۶). و خداوند در این مورد تأکید دارد و در قرآن میفرماید: «پرید الله ان یخفف عنکم و خلق الانسان ضعیفا(نسا/۲۸)؛ خدا میخواهد تا بارتان را سبک گرداند و [میداند که] انسان، ناتوان آفریده شده است.» در خصوص تخفیف در آیه مورد نظر در تفاسیر آمده است: مقصود از تخفیف توبه و پذیرش توبه میباشد. یعنی چنانچه کسی توبه نمود و توبه ی او مورد پذیرش واقع شد این نوعی تخفیف میباشد(طبرسی)۵۸/۳، مصطفوی۳۴۲/۵ و خسروی۱۸۳/۲). بنابراین میتوان نتیجه گرفت آیاتی از قرآن که در آن توبه ذکر شده است، نوعی تخفیف است. بعضی از آیات شریفه ی قرآن با توجه به شرایط اوضاع و احوال خاص اشخاص نوعی تخفیف در تکالیف شرعی و عبادات بیان نموده اند مانند تیمم در حال عجز و بیماری عوض غسل یا وضو گرفتن. بعضی دیگر از آیات تخفیف در مجازات‌ها را بیان میکنند من جمله توبه در حدود. در ادامه به شرح و تفسیر آیات مورد نظر پرداخته خواهد شد.

تخفیف در مخیر بودن در قصاص، دیه و عفو

مبنای شریعت اسلام بر تخفیف و آسان گرفتن میباشد. این امر در بسیاری از آیات قرآن به وضوح آشکار است. از جمله تخفیف در مخیر بودن اولیاء دم مقتول در قصاص، دیه و عفو می- باشد. به عبارتی چنانچه شخصی مرتکب قتل نفس گردد خداوند ولی دم مقتول را مخیر نموده که یکی از امور سه گانه (قصاص، دیه و عفو) را انتخاب نماید. و این امر را نوعی تخفیف بیان کرده است؛ از جمله آیاتی که لفظ تخفیف در آن ذکر شده و مخیر بودن انسان را در امور سه گانه مطرح میکند آیه ی زیر میباشد که خداوند در این ارتباط میفرماید: «يَأْيِهَ الذِّينَ ءَامَنُوا كَتَبَ عَلَيكُمْ الْقَصَاصَ فِي الْقَتْلِ الْحَرِّ بِالْحَرِّ وَالْعَبْدَ بِالْعَبْدِ وَالْأَنْثَى بِالْأُنْثَى فَمَنْ عَفَى لَهُ مِنْ أَخِيهِ شَيْءٌ فَاتَّبِعْ بِالْمَعْرُوفِ وَأَدِّءْ إِلَيْهِ بِإِحْسَانٍ ذَلِكَ تَخْفِيفٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَرَحْمَةٌ فَمَنْ اعْتَدَى بِعَدْوٍ مَا عَلَيْهِ عَذَابٌ أَلِيمٌ (بقره، ۱۷۸)». ای کسانی که ایمان آورده اید، در باره کشتگان، بر شما [حق] قصاص مقرر شده: آزاد عوض آزاد و بنده عوض بنده و زن عوض زن. و هر کس که از جانب برادر [دینی] اش [یعنی ولی مقتول]، چیزی [از حق قصاص] به او گذشت شود، [باید از گذشت ولی مقتول] به طور پسندیده پیروی کند، و با [رعایت] احسان، [خونبها را] به او بپردازد. این [حکم] تخفیف و رحمتی از پروردگار شماسست پس هر کس، بعد از آن از اندازه درگذرد، وی را عذابی دردناک است. «سبب نزول آیه: بین دو طایفه از عرب نزاع بود. یکی قویتر از آن یکی، گفتند در برابر برده ای از ما آزاده ای از شما و در برابر زنی مردی را میکشیم و این آیه نازل شد) (واحدی، ۵۳ و اسلامی، ۶۰/۱).

در رابطه با «تخفیف من ربکم» در تفاسیر آمده است: «اینکه شما میان قصاص و گرفتن دیه و عفو مخیر میباشید تخفیف و رحمتی از جانب پروردگار است. در صورتی که برای اهل تورات تنها قصاص یا عفو مقرر شده بود و گرفتن دیه حرام بود. و برای اهل انجیل فقط عفو یا دیه مقرر گردیده بود. و قصاص بر آنها حرام شده بود» (طوسی، ۱۰۳/۲، حسینی، ۶۸۵/۲، مکارمشیرازی، ۶۰۷/۱ و نجفی خمینی، ۳۸۵/۱). و خداوند درباره ی بنیاسرائیل چنین فرموده «و کتبنا علیهم فیها أن النفس بالنفس و العین بالعین و الأنف بالأنف و الأذن بالأذن و السن بالسن و الجروح قصاص فمن تصدق به فهو كفارة له و من لم يحکم بما أنزل الله فأولئك هم الظالمون (مائده، ۴۵)».؛ و در [تورات] بر آنان مقرر کردیم که جان در مقابل جان، و چشم در برابر چشم، و بینی در برابر بینی، و گوش در برابر گوش، و دندان در برابر دندان میباشد و زخمها [نیز به همان ترتیب] قصاصی دارند. و هر که از آن [قصاص] درگذرد، پس آن، کفاره [گناهان] او خواهد بود.

و کسانی که به موجب آنچه خدا نازل کرده داوری نکرده اند، آنان خود ستمگرانند.» مطابق آیه مورد نظر اهل تورات مخیر بین عفو و قصاص میباشند و دیه بیان نشده است میتوان گفت اینکه مسلمانان بین امور سه گانه (قصاص، عفو و دیه) مخیر میباشند نسبت به اهل تورات که در امور دوگانه (قصاص و عفو) مخیراند خود نوعی آسان گیری و تخفیف محسوب میگردد. علاوه بر این خداوند در قرآن بیان میکند که قوم موسی . در صورتی توبه ی آنها مورد پذیرش خداوند است که یکدیگر را به قتل برسانند. اما در خصوص توبه مسلمانان، توبه آنها را مورد پذیرش دانسته است چنانچه در روضه الواعظین آمده است: «حال آنکه در مورد ما این موضوع تخفیف داده شده است ... و دیگر این است که خداوند در موضوع توبه و بازگشت به خدا برای این امت تخفیف قرار داده است» (نیشابوری، ۳۰۳/۲). در مورد نحوه پذیرش توبه قوم موسی . خداند چنین فرموده: «و إذ قال موسى لقومه يا قوم إنكم ظلمتم أنفسكم باتخاذكم العجل فتوبوا إلی بارئکم فاقتلوا أنفسکم ذالکم خیر لکم عند بارئکم فتاب علیکم إنه هو التواب الرحیم (بقره، ۵۴)؛ و چون موسی . به قوم خود گفت :

«ای قوم من، شما با [به پرستش] گرفتن گوساله، بر خود ستم کردید، پس به درگاه آفریننده خود توبه کنید، و [خطاکاران] خودتان را به قتل برسانید، که این [کار] نزد آفریدگارتان برای شما بهتر است پس [خدا] توبه شما را پذیرفت، که او توبه پذیر مهربان است ...» «که پذیرفتن توبه و بازگشت به سوی خدا برای قوم یهود مطابق با آیه ی مورد نظر یکدیگر را به قتل رساندن بود» (طبرسی، ۴۶/۱؛ قمی، ۴۷/۱؛ جرجانی، ۹۱/۱ و سیوطی، ۷۰/۱). و «توبه ی آنان چنان بود که میباید برخی، برخی دیگر را بکشند، گاه لازم بود پدر پسر را یا پسر پدر را و برادر و مادر و فرزندش را بکشد و هر کس از این کار سرپیچی می کرد یا شمشیر از دست می - افکند و بر خویشاوند خویش رحمت می آورد توبه اش پذیرفته نبود و پس از اینکه در یک جا، هفتاد هزار تن کشته شدند، خداوند دستور داد از کشتن دست بردارند و این توبه ی آنان بوده حال آنکه توبه ی ما عبارت از طلب آمرزش با زبان و پشیمانی راستی و تعهد به بازنگشتن، به انجام آن کار است همچنین میان امت های گذشته اگر کسی با نظر آلوده به زنی مین گریست، دستور داده میشد چشم خود را بیرون آورد تا توبه اش پذیرفته شود و حال آنکه توبه ی ما در این مورد عبارت از نگهداشتن چشم از گناه و توبه با قلب و تصمیم به دوباره انجام ندادن آن است» (نیشابوری، ۳۰۲/۲).

با توجه به آیه ی مورد نظر، شأن نزول آن و منابع تفسیری میتوان نتیجه گرفت که این مخیر بودن میان امور سه گانه، قصاص، عفو و دیه هم نسبت به دین یهودیان و مسیحیان نوعی تخفیف برای مسلمانان میباشد و هم مخیر بودن برای اولیاء دم و انتخاب یکی از امور سه گانه

نوعی تخفیف به شمار می‌آید و اولیاء دم را مجبور به پذیرش یک مورد نمیکند. در ضمن این تخفیفی برای قاتل نیز میباشد. به دلیل اینکه قاتل میتواند در امور سه گانه با اولیاء دم مصالحه و سازش نماید.

تخفیف در مجازات سرپیچی کنندگان در جنگ احد

در کشورهای مختلف جهان و ایران چنانچه سربازان و نیروهای نظامی تحت فرمان از دستورات و تکالیف نظامی بالاتر سرپیچی نمایند مجازات خواهند شد. مطابق ماده ی (۲۹) قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح : «هرگاه تخلف و سرپیچی از تکالیف نظامی سبب تسلط دشمن بر اراضی یا مواضع یا افراد خودی شود جرم محسوب و مرتکب در حکم محارب است» (جعفری، ص ۲۵). در این ارتباط خداوند در قرآن روش مناسبی را ارائه داده و میفرماید: «و سارعوا إلی مغفرة من ربکم و جنۃ عرضها السماوات و الأرض أعدت للمتقین (آل عمران، ۱۳۳)؛ و برای نیل به آمرزشی از پروردگار خود، و بهشتی که پهنایش [به قدر] آسمانها و زمین است [و] برای پرهیزگاران آماده شده است، بشتابید» در این خصوص علامه طباطبایی میگوید: «مغفرت فعل الهی است و سرعت و مبادرت عبد به او به معنی اسباب مغفرت و اموری که موجب غفران الهی است یعنی تدارک گناهان خود را بکنید با کمال سرعت و مبادرت و اعظم آنها توبه است (طیب، ۳/۳۵۵)». «و اینکه فرموده: «أعدت للمتقین»

این آیات بعد از جنگ احد نازل شده که آن احوال یعنی ضعف و وهن و مخالفت ها از ایشان سرزده بود، و گرفتاریها بر سرشان آمده بود، و در عین حال به زودی به جنگ های دیگر باید بروند، و حوادثی شبیه به حوادث جنگ احد در پیش داشتند، و سخت به اتحاد و اتفاق و ائتلاف نیازمند بودند» (طباطبایی، ۴/۲۰). بنابر مطالب مذکور توبه ی متخلفین و فراریان جنگ احد پذیرفته شد.

از آیه ی مورد نظر میتوان نتیجه گرفت به جای مجازات نمودن افراد در صورت تخلف و سرپیچی در جنگ ها، میتوان اوضاع و احوال خاص افراد را مورد توجه قرار داده و متناسب با شرایط زمانی و مکانی تصمیمی درست گرفت. و همچنین با توجه به انسان ساز بودن مکتب اسلام خداوند امر به مغفرت و توبه میکند، که این خود بزرگترین تخفیف برای انسان میباشد. زیرا سبب بیداری و آگاهی او شده و انسان را به ثبات قدم و بازگشت به زندگی سعادت‌مندانه سوق می - دهد.

تخفیف در مجازات زنا، قتل و شرک

همانگونه که در ابتدای فصل دوم ذکر نمودیم به فرموده ی پیامبر - توبه نوعی تخفیف میباشد و بر همین مبنا خداوند در قرآن کریم میفرماید: «**قل یاعبادی الذین أسرفوا علی أنفسهم لا تقنطوا من رحمۃ الله إن الله یغفر الذنوب جمیعاً إنه هو الغفور الرحیم**»؛ (زمر، ۵۳) بگو: «ای بندگان من - که بر خویشتن زیاده روی روا داشته اید- از رحمت خدا نومید مشوید. در حقیقت ، خدا همه گناهان را میآمرزد، که او خود آمرزنده مهربان است.»

در مجمع البیان از کلبی نقل کرده که در تفسیر آیه مورد بحث گفته است: «این آیه درباره ی مشرکین یعنی وحشی و یاران او نازل شده ، چون وقتی وحشی حمزه را کشت ، و قرار بود که اگر او را به قتل برساند آزادش کنند، و به عهد خود وفا نکردند، او و یارانش از کار خود پشیمان شدند، و نامه ای از مکه برای رسول خدا - فرستادند، مشعر به اینکه ما از کرده ی خود پشیمان شده ایم ، و چیزی مانع اسلام آوردن ما نیست مگر آن مطلبی که ما از تو در مکه شنیدیم ، که گفتی:

«**والذین لا یدعون مع الله إلاهاء اخر و لا یقتلون النفس التی حرم الله إلا بالحق و لا یزنون و من یفعل ذالک یلق أناماً**» [فرقان، ۶۸] و ما تا کنون هم شرک ورزیدیم ، و به جز خدای تعالی معبودهایی پرستیدیم و هم خون کسی را که خدا خونش را محترم میدانست بریختیم و هم زنا کردیم ، اگر این مانع در کار نبود ما به پیرویت در میآمدیم ، در پاسخ آنان این آیه نازل شد که :

«**إلا من تاب و ءامن و عمل صالحاً فأولئک یدخلون الجنة و لا یظلمون شیاً**» [مریم ۶۰]، و رسول خدا - دو آیه را برای وحشی و یاران او فرستاد، همین که آیه را خواندند، نامه ای به این مضمون به آن جناب نوشتند: که مضمون این دو آیه شرط سنگینی است ، که میترسیم حریف آن نشویم ، چون در آن عمل صالح شرط شده و ما میترسیم اهل آن نباشیم ، دنبال این آیه ی وحشی آیه ی شریفه ی : «**إن الله لا یغفر أن یشرک....**» [نساء، ۴۸] نازل گردید و پیامبر گرامی - آیه را برای ایشان فرستاد، وقتی آیه را خواندند مجدداً نامه نوشتند: میترسیم از آنهایی نباشیم ، که مشیت خدا بر آمرزش آنان تعلق گرفته باشد، دنبال این نامه آیه ی شریفه ی : «**قل یاعبادی الذین أسرفوا علی أنفسهم**» [زمر، ۵۳] نازل شد رسول خدا - این آیه را نیز برای آنان فرستاد، وقتی آن را خواندند دسته جمعی به اسلام در آمدند، و نزد رسول خدا - برگشتند، رسول خدا - اسلامشان را پذیرفت «(طبرسی، ۸۸/۳).

این آیه (و انبیوا الی ربکم و اسلموا له من قبل ان یتیکم العذاب ثم لا تنصرون) عطف است بر جمله ی «لاتقنطوا» و کلمه ی «انبیوا» امر از «انابه» است که به معنای برگشتن به سوی

خدا است. که آن را توبه میگویند. کلام خدای تعالی صریح در این است که خدا همه ی گناهان حتی شرک را هم با توبه می آمرزد (طباطبایی، ۲۸۰/۱۷).

بنابراین میتوان نتیجه گرفت مطابق آیه ی مورد نظر آثار گناهای همچون : زنا، قتل و هر گناهی را از بین میبرد البته در صورتی که افراد توبه نمایند، که از جمله بزرگترین تخفیف ها برای نوع بشر میباشد. به عبارتی بیان میکند هرگز نباید از رحمت خداوند مأیوس شد. و همچنین بیان می - کند که مبنای شریعت اسلام بر تسامح و تساهل و تخفیف میباشد نه مشقت و سختی. آیه ی شریفه ی دیگری که مرتبط با همین مبحث میباشد، که به طور ضمنی شرک را نیز می - آمرزد البته در صورتی که شخص مشرک از دنیا نرود و همچنین متناسب با سبب نزول آن که در مجمع البیان فی تفسیر القرآن ذکر شده گناهان دیگری را نیز همچون زنا، قتل و ... را میبخشد، آیه ی ۴۸ سوره ی نساء میباشد که میفرماید: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ وَ مَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ افْتَرَىٰ إِثْمًا عَظِيمًا (نساء، ۴۸)». :مسلماً خدا، این را که به او شرک ورزیده شود نمی بخشاید و غیر از آن را برای هر که بخواهد می بخشاید، و هر کس به خدا شرک ورزد، به یقین گناهی بزرگ برافته است.

در مجمع البیان و تفسیرالمیزان در تفسیر آیه ی مورد بحث بیان کرده اند که آیه درباره ی مشرکین یعنی وحشی و یاران او نازل شده که پیش از این شرح آن گذشت (طبرسی، ۸۸/۳). و متناسب با آن و سبب نزول بیان شد که خداوند اعمالی را که وحشی و یارانش مرتکب شده بودند را بخشید، به واسطه توبه و بازگشت آنان به سوی خداوند متعال ، گناهای همچون : زنا، قتل ، شرک و ... را نیز عفو نمود.

این آیه ی شریفه امیدوارکننده ترین آیه ای است برای رجاء، زیرا مسلماً اگر مشرک توبه کند و اسلام بیاورد قبول و آمرزیده خواهد بود پس این جمله : «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ» برای مشرکی است که به حال شرک و بیتوبه از دنیا برود (طیب، ۹۶/۴).

علامه در تفسیر المیزان در این خصوص چنین بیان میکند: «آیه ی شریفه متعرض توبه نشده ، چون مورد مساعد نبود، مورد آیه شرک و عدم ایمان بود و با حفظ عدم ایمان ، توبه معنا ندارد، علاوه بر اینکه توبه اختصاص به یک گناه ندارد، آدمی از هر گناهی توبه کند آمرزیده میشود، چه شرک و چه غیر شرک چون خدایتعالی فرموده : «قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذَّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ» [زمر، ۵۳]» (طباطبایی، ۳۷۱/۴).

تخفیف در مجازات زن و مرد غیر محصن

همان گونه که پیش از این بیان شد، قرآن و شریعت اسلام شرایط خاص و ویژگیهای افراد را در موارد مختلف مورد توجه قرار داده است. علی الخصوص در مجازات ها، که با توجه به این مسئله میان مجازات زناى مرد و زن شوهردار (محصنه) و مرد و زن غیر محصنه تفاوت قائل شده است. در این رابطه خداوند میفرماید:

«و الذان یأتیانها منکم فاذوهما فإن تابا و أصلحا فأعرضوا عنهما إن الله کان توابا رحیما(نسا، ۱۶)؛ و از میان شما، آن دو تن را که مرتکب زشتکاری میشوند، آزارشان دهید پس اگر توبه کردند و درستکار شدند از آنان صرفنظر کنید، زیرا خداوند توبه پذیر مهربان است.»

در کتاب آیات الاحکام در مورد آیه مورد نظر چنین بیان میکند: «ظاهر آن است که بر اساس تغلیب مراد از «الذان» زانی و زانیه است. و ضمیر «یأتیانها» برمیگردد به فاحشه و اکثر مفسران بر اینند و بر این تقدیر بهتر آن است که این آیه مخصص است به غیرمحصن به قرینه ی تقابل به آیت سابق که مقید است به محصن. و مراد از ایذای ایشان صد تازیانه است. و مؤید این است که روایت کرده اند از پیغمبر - که چون آیت جلد نازل شد فرمود: «خذوا عنی قد جعل الله لهن السبیل البکر بالبکر جلد مائة و تغریب عام و الثیب بالثیب جلد مائة و الرجیم(جرجانی حسینی، ۶۵۴/۲). یعنی فرا گیرید از من حد زنا را به تحقیق مقرر گردانید خدایتعالی از برای زنان زانیه راه خلاصی، و حد زناى مرد بیزن با زن بیشوهر صد تازیانه است و اخراج کرد تا یک سال تبعید کرد و حد زناى مرد زن دار با زن شوهردار صد تازیانه است و سنگسار کردن.»

بنابراین مطابق شرایط و ویژگی خاص، مجازات مرد بیزن و زن بیشوهر خفیف تر از مرد محصن و زن محصنه است.

در تفسیر اثنا عشری در خصوص آیه مذکور بیان کرده: «منظور از «فإن تابا و أصلحا فأعرضوا عنهما» دال بر آن است که چون زانی توبه کند قبل از رفع زناى او به حاکم، حد او ساقط شود اما بعد از رفع و حضور، اگر زنا به اقرار او ثابت شده باشد، امام مخیر است در اجرای حد. و اگر ثبوت آن به بیینه باشد، حد متحتم است. و مراد به اصلاح، استمرار است به توبه. قوله: «إن الله کان توابا رحیما» این تعلیل اعراض است. و «رحیما» اشاره است به آن که قبول توبه، تفضل است» (حسینی شاه عبدالعظیمی، ۳۷۵/۲).

تخفیف دیگر توبه میباشد که خداوند این را تفضل فرموده است. و تخفیف دیگر مخیر بودن امام در اجرا و عدم اجرای حد میباشد. که این نیز خود در صورتی که نظر امام بر عدم اجرای حد باشد تخفیف خاص دیگری میباشد.

از آنجا که موضوع توبه در مخیر بودن امام در عفو و اجرای مجازات دارای اهمیت میباشد بنابراین در ادامه به شرح مطالب و بیان آیات و روایاتی در خصوص پذیرش توبه پرداخته خواهد شد.

مصدق پذیرش توبه

از جمله آیات قرآن که سبب نزول آن مصدقی در خصوص پذیرش توبه میباشد، و میتوان شرایط توبه را از آن استخراج نمود آیه ی ۱۳۵ سوره ی آل عمران میباشد: «و الذین إذا فعلوا فاحشة أو ظلموا أنفسهم ذكروا الله فاستغفروا لذنوبهم و من یغفر الذنوب إلا الله و لم یصروا علی ما فعلوا و هم یعلمون (آل عمرا، ۱۳۵)»؛ و آنان که چون کار زشتی کنند، یا بر خود ستم روا دارند، خدا را به یاد میآورند و برای گناهانشان آمرزش میخواهند- و چه کسی جز خدا گناهان را میآمرزد؟ و بر آنچه مرتکب شده اند، با آنکه میدانند [که گناه است]، پافشاری نمی کنند.

در تفسیر المیزان در خصوص آیه مورد نظر آمده است: «در کتاب مجالس از عبدالرحمن بن غنم دولی آمده که آیه ی شریفه ی: «و الذین إذا فعلوا فاحشة...»، درباره ی بهلول نباش (کسی که قبرها را نبش قبر میکرد و کفن مردگان را میدزدید) نازل شده است؛ چون این مرد در یکی از دزدیهایش قبر دختری از انصار را نبش کرد، و جنازه را بیرون آورده کفنش را باز کرد، بدنی سفید و زیبا یافت، شیطان زنا ی با او را در نظرش جلوه داد، و او، با آن زن زنا کرد، آنگاه پشیمان شد، و نزد رسول خدا - آمده جریان را به عرض آن حضرت رسانید، ولی رسول خدا او را رد کرد، و او از مردم کناره گرفت، و دور از آنها در کوه های مدینه به عبادت و مناجات پرداخت، تا آنکه خدایتعالی توبه اش را قبول نموده و آیاتی از قرآن درباره اش نازل کرد» (طباطبایی، ۲۴/۴). البته سبب نزول دیگری نیز برای آیه ی شریفه مذکور ذکر شده است.

منظور از «و الذین إذا فعلوا فاحشة»: منظور عمل زشت و قبیح مانند زنا است یا ستم به نفس به واسطه ارتکاب گناهان کبیره، ظلم به نفس نمودن میباشد و در این خصوص خداوند وعده داده است «فاستغفروا لذنوبهم» همه گناهان را به واسطه توبه و پشیمانی از گناه می آمرزد (فیض کاشانی، ۱/۱۷۲).

در خصوص «فاحشه» در تفسیر اطیب البیان چنین بیان کرده است: «منظور از «إذا فعلوا فاحشة»: عمل زشت و قبیح است مثل زنا و لواط و کارهای منافی عفت و اقوال رکیکه مثل مادر فلان و زن فلان که امروز بسیار رواج دارد (طیب، ۳/۳۶۰؛ قرشی، ۲/۱۸۹ و فیض کاشانی، ۱/۳۸۲). در برخی دیگر از تفاسیر علاوه بر زنا بر گناهان و کبیره مانند بوسیدن، لمس کردن، ربا، غصب، خمر، قمار را نیز بیان نموده اند (ملا حویث آل غازی، ۵/۴۰۷).

میتوان نتیجه گرفت که توبه عامل مهم تخفیف مجازات زنا و دیگر گناهان میباشد. چنانچه آیه مورد نظر در خصوص پذیرش توبه شرایطی را مقرر کرده است. در این خصوص در تفسیر انوار درخشان آمده است:

«۱- پشیمانی و انکسار خاطر از ارتکاب گناه و توجه به محرومیتی که نصیب او شده، و از فضیلت تقوی بیبهره گشته است. ۲- درخواست عفو و آمرزش از پروردگار، و چنانچه حق دیگری را نیز تضییع نموده، باید آن را ترک نماید. ۳- بداند جز به وسیله پوزش و عذرخواهی از پیشگاه باریتعالی، نمیتوان محرومیت خود را از بین برد، و صفای روان را باز یافت. ۴- پشیمانی خاطر بر آنان چنان اثر عمیقی گذارد، که تصمیم بگیرند، دیگر گناهی مرتکب نشده» (حسینی همدانی، ۲۰۵/۳).

همچنین از بیان آیه استفاده میشود که مؤمنان سه دسته اند: «۱- کسانی که از گناه کردن پرهیز دارند. ۲- کسانی که پس از ارتکاب گناه توبه میکنند. ۳- کسانی که بر انجام گناه اصرار می-ورزند. و این که بهشت و آمرزش خداوند برای پرهیزکاران [دسته ی اول] و توبه کنندگان [دسته ی دوم] است» (طبرسی، ۲۰۵/۱).

و در جای دیگری از قرآن آمده است: «**إِنَّمَا التَّوْبَةُ عَلَى اللَّهِ لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ السُّوءَ بِجَهَالَةٍ ثُمَّ يَتُوبُونَ مِنْ قَرِيبٍ فَأُولَئِكَ يَتُوبُ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا** (نسا، ۱۷)؛ توبه، نزد خداوند، تنها برای کسانی است که از روی نادانی مرتکب گناه میشوند، سپس به زودی توبه میکنند اینانند که خدا توبه شان را میپذیرد، و خداوند دانای حکیم است.»

علامه طباطبایی در تفسیر آیه مورد نظر چنین بیان میکند: «توبه عبد حسنه است، حسنه نیازمند به نیرو است، و نیروی انجام حسنه از خدا است، اوست که توفیق میدهد، یعنی اسباب فراهم می-سازد تا بنده موفق و متمکن از توبه بشود، و بتواند از فرو رفتگی در لجنزار گناه و دوری از خدا بیرون آید، و به سوی پروردگارش برگردد، آن گاه وقتی این موفقیت را یافت و به سوی خدا برگشت نیازمند به این است که خدایتعالی با یک رجوع دیگرش به رحمت و لطف و عفو و مغفرتش دل او را از لوث آن گناه پاک کند» (طباطبایی، ۲۳۷/۴).

طبرسی در ذیل آیه ی مورد نظر روایتی را این چنین نقل میکند: «از امیر المؤمنین. روایت شده است که: پرسیدند اگر چند بار توبه کند و توبه را بشکند، چطور؟ فرمود: خدا او را میآمرزد. پرسیدند: تا کی؟ فرمود: تا وقتی که شیطان حسرت بخورد. در کتاب (من لایحضره الفقیه) است که پیامبر گرامی اسلام - در آخر یک خطبه فرمود: کسی که یک سال پیش از مرگ توبه کند خدا او را میآمرزد. سپس فرمود: یک سال زیاد است، کسی که یک ماه پیش از مرگ توبه کند، خدا توبه اش را میپذیرد. سپس فرمود: یک ماه زیاد است، اگر کسی یک روز پیش از مرگ

توبه کند خدا او را میآمرزد. سپس فرمود: یک روز زیاد است اگر کسی یک ساعت پیش از مرگ توبه کند خدا توبه اش را میپذیرد. سپس فرمود: یک ساعت زیاد است. اگر کسی توبه کند در حالیکه آخرین نفس او فرا رسیده است، خداوند توبه اش را میپذیرد. ثعلبی به اسناد خود از عبادۀ بن صامت، از پیامبر گرامی - همین خبر را عینا نقل کرده است، جز این که در آخر آن گفته است: یک ساعت بسیار است، اگر کسی توبه کند بیش از لحظه ی مرگ. و نیز به اسناد خود از حسن روایت کرده است که: چون شیطان از آسمان طرد شد به خداوند عرض کرد: به عزت و جلالم سوگند. توبه را تا دم مرگ از بندگانم جدا نمیکنم. «فَأُولَئِكَ يَتُوبُ اللَّهُ عَلَيْهِمْ» خدا توبه ی ایشان را قبول میکند. «و كان الله عليما حكيمًا»: خداوند به مصالح بندگان و در معامله ی خود با ایشان حکیم است» (طبرسی، ۸۲/۳).

این مطالب زیبایی و انسان ساز بودن آیات قرآن و شریعت اسلام را بیان میکند، که تا چه حدی خداوند و معصومین ۱ تأکید بر توبه داشته اند و چقدر دوست دارند که بنده از گناهان خود توبه کرده و پاک و مطهر گشته تا به غایت و مقصود خود که رسیدن به سعادت دنیوی و اخروی است نائل آید.

تخفیف در مجازات حد قذف

در آیات ابتدایی سوره ی نور خداوند در قرآن حد زنا را بیان میکند، پس از آن میفرماید: «الزانی لا ینکح إلا زانیةً أو مشرکةً و الزانیة لا ینکحها إلا زان أو مشرک و حرم ذالک علی المؤمنین (۳) و الذین یرمون المحصنات ثم لم یأتوا بأربعة شهداء فاجلدوهم ثمانین جلدةً و لا تقبلوا لهم شهادةً أبداً و أولئک هم الفاسقون(نور، ۴-۳)؛ مرد زناکار، جز زن زناکار یا مشرک را به همسری نگیرد، و زن زناکار را، جز مرد زناکار یا مشرک به زنی نگیرد، و بر مؤمنان این [امر] حرام گردیده است. (۳) و کسانی که نسبت زنا به زنان شوهردار میدهند، سپس چهار گواه نمیآورند، هشتاد تازیانه به آنان بزنید، و هیچگاه شهادتی از آنها نپذیرید، و اینانند که خود فاسقند.»

درباره ی اسباب نزول چنین آمده: «أن امرأةً یقال لها: أم مهزول کانت تسافح، و کانت تشتترط للذی یتزوجها أن تکفیه النفقة، و أن رجلا من المسلمین أراد أن یتزوجها، فذکر ذلک لنبی -، فنزلت هذه الآية: الزانیة لا ینکحها إلا زان أو مشرک(واحدی، ۳۲۶)؛ زنی زنا دهنده به نام ام مهزول شرط کرده بود که هر کس با وی ازدواج کند خرجش را تکفل نماید و یکی از مسلمانان تصمیم گرفت او را به زنی بگیرد و پیامبر - مطلع شده پس این آیه نازل شد: زن زناکار، جز مرد زناکار یا مشرک به همسری نگیرد.»

در تفسیر جوامع الجامع در ذیل آیه ی مورد نظر چنین مینویسد: «معنای (رمی) انداختن معروف است ولی به عنوان مستعاره در نسبت دادن امری ناپسند به انسان نیز استعمال میشود، مانند نسبت دادن زنا و دزدی دادن، که آن را (قذف) هم گویند.... این آیه به طوری که ملاحظه می- فرمایید از نظر نسبت دهنده مطلق است، یعنی هم شامل مرد میشود و هم زن، هم حر و هم برده، روایات اهل بیت هم همین طور تفسیر کرده «همان، ۸۱». «نظم آیه چنین اقتضا میکند که مجموع جمله های سه گانه، جزای شرط باشد، یعنی کسانی که به زنان شوهردار نسبت زنا میدهند، تازیانه - شان بزیند و شهادتشان را رد کنید و آنان را فاسق بدانید به این معنا که درباره ی آنها تازیانه زدن و رد شهادت و نسبت فسق دادن را جمع کنید» (طبرسی، ۹۵/۳).

سپس میفرماید: «إِلا الذین تابوا من بعد ذالک و أصلحوا فإن الله غفور رحیم (نور، ۵)؛ مگر کسانی که بعد از آن [بهبتان] توبه کرده و به صلاح آمده باشند که خدا البته آمرزنده مهربان است.»

در خصوص پذیرش توبه و رفع فسق به دلیل توبه نمودن در تفسیر المیزان در ارتباط با آیه ی مورد نظر چنین بیان کرده است: «این استثناء هر چند راجع به جمله ی اخیر یعنی حکم به فسق نامبردگان است. ولیکن از آنجایی که به شهادت سیاق برای جمله (و هرگز شهادتی از ایشان نپذیرند) جنبه ی تعلیل دارد، لازمه اش ارتفاع حکم به ارتفاع فسق است، که حکم ابدی نپذیرفتن شهادت هم برداشته شود، در نتیجه لازمه رفع دو حکم این میشود که استثناء به حسب معنا به هر دو جمله مربوط میباشد، و معنا چنین باشد که (هرگز آنان شهادت نپذیرند، چون فاسقند، مگر آنان که توبه نموده و عمل خود را اصلاح کنند، چرا که خداوند آمرزنده و مهربان است، و چون چنین است گناهشان را میآمرزد، و به ایشان رحم میکند، یعنی حکم به فسق و نپذیرفتن شهادت آنان را بر میدارد» (طباطبایی، ۸۲/۱۵).

بنابراین با توبه نمودن هم حکم به فسق او برطرف شده، و هم عدم پذیرش شهادت وی رفع میگردد. که این را میتوان تخفیف در حد قذف به شمار آورد.

باید توجه داشت که در حق الناس توبه قاذف مشروط است به عفو مقذوف در این ارتباط در کتاب آیات الاحکام آمده است: «لیکن چون قذف حق آدمی است موقوف است به ثبوت حد به مطالبه مقذوف. و توبه ی قاذف مشروط باشد به عفو مقذوف و بعد از عفو او حد ساقط گردد اگر عفو پیش از ثبوت حد باشد.... و مراد از اصلاح استقامت است بر توبه» (حسینی جرجانی، ۶۹۹/۲).

در نتیجه این نیز تخفیفی میباشد برای شخص قاذف که با عفو مقذوف، حد نیز از وی ساقط میگردد. و این نکته ظریفی میباشد که خداوند حق الناس را موقوف به صاحب حق نموده چرا

که به این نحو موجب رفع کدورت و محبت شده، و در نهایت شخص در پی دلجویی صاحب حق بوده و منجر به مصالحه میشود.

تخفیف در مجازات حد محاربه و فساد فی الأرض

نظم عمومی و اجتماعی اقتضا میکند افرادی را که به نحوهای مختلف باعث اخلال در این نظم میگردند را مجازات نماید؛ از جمله این اخلال گریها محاربه میباشد. خداوند در این رابطه در قرآن کریم میفرماید: «**إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِنْ خَلْفٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ذَلِكَ لَهُمْ خِزْيٌ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ (مائده، ۳۳)**؛ سزای کسانی که با [دوستداران خدا و پیامبر او میجنگند و در زمین به فساد میکوشند، جز این نیست که کشته شوند یا بر دار آویخته گردند یا دست و پایشان در خلاف جهت یکدیگر بریده شود یا از آن سرزمین تبعید گردند. این، رسوایی آنان در دنیاست و در آخرت عذابی بزرگ خواهند داشت.»

و در سبب نزول آیه ی مورد نظر اختلاف است. علامه در تفسیر المیزان در این ارتباط می- نویسد: «**عده ای از قبیله بنیضبه در حالیکه همه بیمار بودند به حضور رسول خدا - رسیدند، حضرت به ایشان دستور داد چند روزی نزد آن جناب بمانند تا بیماریشان برطرف شده و بهبود یابند، آنگاه ایشان را به جنگ خواهد فرستاد، این عده میگویند: از مدینه خارج شدیم، رسول خدا - ما را مأمور کرد تا در بیابان مدینه نزد شتران صدقه برویم و از شیر آنها بخوریم و بول آنها را بنوشیم و ما چنین کردیم تا همه بهبودی یافتیم و کاملاً نیرومند شدیم، امام . اضافه کردند که این عده همین که نیرومند شدند، سه نفر از چوپان های رسول خدا - را به قتل رساندند، رسول خدا - علی . را برای دستگیری و سرکوبی آنان روانه کرد، حضرت علی . آنان را در یک وادی پیدا کرد که به حال سرگردانی افتاده بودند، چون آن بیابان نزدیکی یمن بود و آنان نمیتوانستند از آن وادی خارج شوند، پس علی . اسیرشان کرده به نزد رسول خدا - آورد، و آیه ی شریفه ی «**إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِنْ خَلْفٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ذَلِكَ لَهُمْ خِزْيٌ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ**» : [مائده، ۳۳] در این مورد نازل شد...» (طباطبایی، ۳۳۱/۱۵-۳۳۰).**

در مجمع البیان آمده است: ابن عباس و ضحاک گویند: درباره کسانی نازل شده است که با پیامبر خدا - پیمان بسته بودند و پیمان خود را شکستند و در روی زمین فساد کردند. حسن و عکرمه گویند: درباره ی اهل شرک نازل شده است... (طبرسی، ۲۹۱/۳).

در کتاب آیات الأحکام در خصوص آیه ی مورد نظر چنین آمده است: «مراد از محاربه ی خدا و رسول محاربه مسلمانان است که دوستان خدا و رسولند و تعبیر از او به محاربه ی خدا و رسول تنبیه است بر آن که محاربه ی ایشان متضمن محاربه ی خدا و رسول است از این جهت مستوجب عقوبات مذکور میگردد. و مراد از آن در عرف شرع کسی است که برهنه کند آلت حرب را از برای ترسانیدن مردم خواه در بحر و خواه در شب و خواه در روز خواه مرد و خواه زن خواه قوی خواه ضعیف» (حسینی جرجانی، ۶۷۷/۲).

با توجه به سبب نزول آیه ی شریفه مشخص گردید چنانچه شخصی مرتکب محاربه و فساد فی الأرض گردد مجازات شدیدی داشته ، اما آیا برای این مجازات تخفیفی در نظر گرفته شده است ؟ خداوند در این مورد میفرماید: «**إِلا الذین تابوا من قبل أن تقدروا علیهم فاعلموا أن الله غفور رحیم** (مائده، ۳۴). ؛ مگر کسانی که پیش از آنکه بر ایشان دست یابید، توبه کرده باشند. پس بدانید که خدا آمرزنده مهربان است.»

شعبی روایت نموده که: «حارثه بن بدر در عهد امیر المؤمنین . به محاربه بیرون آمد و به قتل و قطع اقدام نمود. بعد توبه نمود و نزد بعضی از اقارب امیر المؤمنین . رفت تا شفاعت او را خدمت آن حضرت نمایند. هیچ کس قبول نکرد. پس نزد قیس بن سعد همدانی آمد، او قبول نموده وی را به خانه برد. روز دیگر خدمت حضرت رفت و گفت: یا امیر المؤمنین . جزای آن کس که با رسول خدا - محاربه کند چیست ؟ فرمود: آنچه حق تعالی در قرآن ذکر فرموده ، پس آیه تلاوت نمود. سعد گفت: اگر توبه کند پیش از آنکه او را بگیرند حکم آن چه باشد؟ فرمود: توبه ی او قبول است . گفت: یا امیر المؤمنین . حارثه پناه به من آورده قبل از گرفتن او، آیا او را امان هست ؟ فرمود: آری. گفت: بفرما تا امان او را بنویسند، پس خط امان نوشته او را به خود راه داد» (حسینی شاه عبدالعظیمی، ۷۵/۳).

در تفسیر اثناعشری در ذیل آیه ی مذکور چنین آمده است: «توجه مسلمانان را به این نکته جلب نموده که از جمله رحمت پروردگار و حفظ امنیت اجتماعات اسلامی، پشیمانی این گونه جنایت کاران را میپذیرد و از تعقیب و کیفر آنان صرف نظر مینماید و بدین وسیله خاطر آنان را تأمین داده است . و چنانچه با التزام به آن شرایط ، توبه و پشیمانی این گونه جنایت کاران پذیرفته نشود این افراد ناگزیرند برای حفظ حیات و فرار از خطر همیشه به بیابان گردی ادامه دهند بلکه گروهی را نیز به همدستی خود دعوت نمایند تا بدین وسیله از خطری که هر لحظه در انتظار آنهاست ، دفاع نموده ، رهایی یابند» (حسینی همدانی، ۸/۵). البته باید توجه داشت که در صورت قبول توبه تنها جنبه حق الهی حد محاربه ساقط میگردد. و اگر شخص محارب توبه نماید چنانچه محارب دزدی نموده باشد و یا ضرری به کسی رسانده باشد ساقط نمیشود، در

این خصوص در تفسیر المیزان چنین آمده: «به عبارت دیگر توبه او تنها تأثیر در ساقط شدن حق الله دارد و اما حق الناس بدون رضایت صاحبان حق، ساقط نخواهد شد. و نیز به تعبیر دیگر: مجازات محارب از مجازات قاتل یا سارق معمولی شدیدتر است و با توبه کردن مجازات محارب از او برداشته میشود اما مجازات سارق و غاصب یا قاتل معمولی را خواهد داشت. ممکن است سؤال شود: توبه یک امر باطنی است از کجا میتوان آن را اثبات کرد؟ در پاسخ میگوییم: طریق اثبات برای این موضوع فراوان است از جمله در مجلسی توبه ی او را شنیده اند و بدون اینکه کسی آنها را اجبار کند به میل خود توبه نموده اند و یا اینکه برنامه و روش زندگی خود را چنان تغییر دهند که آثار توبه از آن آشکار باشد» (طباطبایی، ۳۶۳/۴).

با توجه به تفاسیر آیات و مطالب ذکر شده میتوان گفت چنانچه شخص محارب پیش از دستگیری توبه نماید، در مجازات وی تخفیف لحاظ میگردد. باید دقت نمود که تخفیف در مجازات محارب، شامل جنبه ی حق الهی میباشد اما در جنبه حق الناسی آن موقوف به گذشت و تخفیف صاحبان حق میباشد. یعنی جنبه ی حق الناسی آن همچنان پابرجا است مگر صاحب حق عفو و گذشت نماید.

تخفیف در مجازات سارق

سرقت از جمله جرائمی میباشد که باعث اخلال در نظم عمومی و اجتماعی شده و امنیت مردم را از نظر مالی و اقتصادی متزلزل میسازد. در خصوص مجازات سارقان خداوند در قرآن کریم میفرماید: «و السارق و السارقه فاقطعوا ایدیهمما جزاء بما کسبا نکالا من الله والله عزیز حکیم(مائده، ۳۸)؛ و مرد و زن دزد را به [سزای] آنچه کرده اند، دستشان را به عنوان کیفری از جانب خدا ببرید، و خداوند توانا و حکیم است.»

در اجرای حد قطع ید شرایطی وجود دارد که در آیات الاحکام در این ارتباط چنین آمده است: «شرط است در او آنکه مالی دزدی میکند چهار یک مثقال طلای خالص مسکوک باشد یا بیشتر یا آنچه قیمت او این قدر باشد یا بیشتر و آن که گرفتن مال از جایی باشد که مالک قصد حفظ و ضبط او کرده باشد در او به حسب عرف. و آن که گرفتن او آن مال را به نفس خود باشد نه به وسیله ی دیگری. و نیز معتبر است آن که دزد پدر نباشد که از مال پسر دزدیده باشد. و مملوک نباشد که از مال خواجه دزدیده باشد و شریک نباشد که از مال مشترک دزدیده باشد و جمیع این قیود معتبر است در سرقت که موجب حد شود نزد اصحاب ما بنابر روایات اهل بیت» (حسینی جرجانی، ۶۷۴/۲). «و در مواقع گرسنگی و قحطی نباشد» (گنابادی، تفسیر بیان السعاده فی مقامات العباده).

از جمله تخفیف در آیه مذکور خود همین شرایطی میباشد که برای حد سرقت بیان نموده اند که این شرایط را میتوان به عنوان عامل تخفیف فرض نمود که چنانچه همگی این شرایط مهیا باشد، نه چند مورد از این شرایط، حد بر سارق جاری خواهد شد. همچنین میتوان تخفیف خاص دیگری را نیز از آیه استخراج نمود و آن مجازات سارقی که پدر میباشد، و از فرزند خود سرقت نموده که چنانچه همه ی شرایط هم باشد و از فرزند خود سرقت نموده، خداوند به خاطر اینکه سارق پدر بوده و از فرزند خود سرقت نموده در مجازات وی تخفیف قرار داده و حد در خصوص ایشان اجرا نخواهد شد. و از طرفی خداوند تخفیف دیگری را در خصوص سارق در نظر گرفته است چنانچه در آیه بعد می فرماید: «فمن تاب من بعد ظلمه وأصلح فإن الله يتوب عليه إن الله غفور رحيم (مائده، ۳۹)؛ پس هر که بعد از ستم کردنش توبه کند و به صلاح آید، خدا توبه او را میپذیرد، که خدا آمرزنده مهربان است.» بنابراین چنانچه سارق توبه نماید حد ساقط میگردد.

در ذیل آیه مورد نظر در کتاب کنزالعرفان این چنین مینویسد: «مراد از ظلم سرقت مذکوره است به قرینه ی آیه ی سابقه . و مراد از توبه ی خدای تعالی قبول اوست توبه بندگان را و آیت مذکور دلالت میکند بر آنکه توبه ی سارق و سارقه مسقط عذاب اخروی است چنانکه متفق علیه است و مسقط حد است نیز چنانکه مختار اصحاب ما است (حسینی جرجانی، ۶۷۵/۲). به شرط آن که توبه پیش از ثبوت شرعی سرقت واقع شود به قول مختار نزد محققان اصحاب.» «تأثیر توبه در رفع عقاب دنیوی منوط به وقوع قبل از ظفر بر مجرم است» (داور پناه، ۳۲۴/۱۰). «منظور از اصلاح استمرار بر توبه است به واسطه توبه پیش از ثبوت نزد حاکم حد ساقط میشود اما چنانچه بعد از آن به واسطه بینه ثابت شده باشد بنابراین حد ساقط نمیشود» (فاضل مقداد، ۳۵۱/۲).

در نتیجه چنانچه سارق پیش از آنکه جرم او نزد حاکم به اثبات برسد، توبه نماید، (قبل از اینکه او را دستگیر کنند) موجب تخفیف در حد میگردد. البته حق الناس آن پابرجا میباشد و عین مال مسروقه را باید به صاحب مال برگرداند. چنانکه ذکر شد توبه ی سارق در مجازاتش منجر به تخفیف او شده است.

تخفیف در مجازات مرتد

ارتداد از ماده ی «رد» مشتق شده و به معنای «رجوع و بازگشت» (جوهری، ۴۷۳/۲) و نیز «دگرگونی» (ابن منظور، ۱۷۳/۳) است. در اصطلاح فقهای شیعه و اهل سنت ارتداد عبارت است از اینکه کسی از اسلام خارج شود و کفر را برگزیند (ر.ک: حلی (محقق) ۹۶۱/۴).

همه ی فقیهان ارتداد را به معنای انتخاب کفر بعد از اسلام دانسته اند؛ گرچه از آن با تعابیر مختلفی همچون: قطع اسلام (ر.ک: بکری دمیاطی، ۹۶۱/۴). رجوع از اسلام، اظهار شعائر کفر بعد از ایمان و خروج از اسلام (ر.ک: امام خمینی، ۳۶۶/۲). یاد کرده اند. آیات زیر در ارتباط با ارتداد و تخفیف ارتداد میباشد:

«کیف یهدی الله قوما کفروا بعد ایمانهم و شهدوا أن الرسول حق و جاءهم البينات و الله لا یهدی القوم الظالمین (۸۶) أولئک جزاؤهم أن علیهم لعنة الله و الملائکة و الناس أجمعین (۸۷) خالدین فیها لا یخفف عنهم العذاب و لا هم ینظرون (۸۸) إلا الذین تابوا من بعد ذالک و أصلحوا فإن الله غفور رحیم (آل عمران، ۸۹-۸۶)». چگونه خداوند، قومی را که بعد از ایمانشان کافر شدند، هدایت میکند؟ با آنکه شهادت دادند که این رسول، بر حق است و برایشان دلایل روشن آمد، و خداوند قوم بیدادگر را هدایت نمی کند. (۸۶) آنان، سزایشان این است که لعنت خدا و فرشتگان و مردم، همگی برایشان است. (۸۷) در آن [لعنت] جاودانه بمانند نه عذاب از ایشان کاسته گردد و نه مهلت یابند. (۸۸) مگر کسانی که پس از آن توبه کردند و درستگاری [پیشه] نمودند، که خداوند آمرزنده مهربان است.»

در تفسیر آیه ی مورد نظر در مجمع البیان چنین آمده است: «این آیات درباره ی مردی به نام حارث بن سوید بن صامت نازل شده که مجدر بن زیاد البلوی را با نیرنگ کشت و به مکه فرار کرد، از اسلام برگشته و به مردم مکه (که مکه در آن زمان کانون کفر بود) ملحق گردید. سپس از کرده ی خود پشیمان شده به قبیله مدنی خود پیام فرستاد، از رسول خدا - بپرسند، آیا توبه اش پذیرفته میشود یا نه؟ در پاسخ فرستاده ی وی این آیه نازل گردید: «إلا الذین تابوا...» در نتیجه مردی از بستگانش به مکه آمد تا او را به سوی رسول خدا - بیاورد. حارث به وی گفت: من میدانم که تو صادقی، و میدانم رسول خدا - از تو صادق تر و خدای تعالی از همه صادق تر است و به این معنا ایمان دارم. آنگاه به مدینه برگشت و توبه کرد و اسلامش نیکو گردید.»

از نظر فقهی مرتد بر دو گونه است: مرتد فطری و مرتد ملی. مرتد فطری کسی است که در یک خانواده مسلمان دیده به دنیا بگشاید و مسلمان باشد آنگاه از اسلام برگردد. و مرتد ملی کسی است که اول کافر بوده بعد مسلمان شده و سپس مرتد شده است. از نظر فقهی توبه ی مرتد فطری هرگز قبول نیست و حکم او اعدام است ولی توبه ی مرتد ملی پذیرفته میشود. اکثر فقهای امامیه حکم مرگ را درباره ی مردی که مرتد فطری شده باشد، ثابت میدانند. از نظر احکام جزایی مردی که مرتد ملی شده باشد طبق فقهای امامیه به قتل نمیرسد، بلکه ابتدا او را دعوت به توبه میکنند، اگر توبه کرد، توبه اش پذیرفته میشود و الا به قتل خواهد رسید. زن در صورت ارتداد کشته نمیشود، بلکه از او خواسته میشود توبه کند و توبه اش پذیرفته است و تا

زمانی که توبه نکرده ، در زندان باقی خواهد ماند تا مرگش فرا رسد. زنی که مرتد ملی شده ، حکمش دقیقاً مثل زنی خواهد بود که مرتد فطری شده است .

اما با توجه به آیه ی : «إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَأَصْلَحُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ؛ مگر کسانی که پس از آن توبه کردند و درستگاری [پیشه] نمودند، که خداوند آمرزنده مهربان است». خداوند توبه ی مرتد را میپذیرد و مجازات وی را تخفیف داده است . چنانچه در تفاسیر در این خصوص آمده است : «توبه ی مرتد به رجوع به اسلام است و آیه مطلق است شامل مرتد ملی و فطری هر دو میشود و لو مورد مرتد ملی است لکن مورد مخصص و مقید نمیشود و این آیه هم یکی از آیاتی است که دلالت دارد بر قبولی توبه ی مرتد». مطابق فتوای حجج اسلامی، نسبت به مرتد ملی بلکه فطری، اقوی قبول توبه ی اوست ، باطنا و ظاهراً ایضاً.

هر چند در برخی کتب توبه ی مرتد فطری پذیرفته نشده است ، اما در بعض دیگر توبه به صورت مطلق آمده و شامل توبه مرتد فطری و مرتد ملی هر دو شده است . اما در تمام کتب توبه ی مرتد ملی مورد پذیرش میباشد. بنابراین مجازات مرتد متناسب با مطالب مذکور شامل تخفیف شده است . و این همان مطلوب ما میباشد که در مطالب قبلی نیز ذکر شده است.

نتیجه گیری

تخفیف مجازات در بسیاری از آیات قرآن مورد تأکید قرار گرفته ؛ از جمله تخفیف در تکالیف شرعیه در زمانی که انسان در مشقت و سختی است و یا مخیر بودن اولیاء دم در امور سه - گانه (قصاص ، دیه و عفو) که نوعی تخفیف محسوب میگردد و همچنین تخفیف در مجازات سرپیچی کنندگان در جنگ احد و . . .

باتوجه به اینکه توبه ، نوعی تخفیف میباشد و به طور کلی بنای شارع در مجازاتهای حدود بر تخفیف است ، و بدین وسیله توبه نیز عاملی جهت تخفیف در این مجازاتها میگردد، بنابراین چنانچه شخصی که مرتکب جرمی شده که حد بر او واجب گردیده ، اگر توبه نماید در مجازات او تخفیف داده خواهد شد؛ از جمله ی این حدود که با توبه ی شخص شامل تخفیف میگردد، حد زنا ی غیر محصنه و مرد غیر محصن ، سرقت ، کذب ، محاربه و ارتداد است.

منابع

- امام خمینی، سید روح الله، **تحریر الوسیله**، چاپ اول، قم: مؤسسه مطبوعاتی دارالعلم، بیتا.
جعفری (تبریزی)، محمد تقی، **فقه استدلالی**، چاپ اول، تهران: مؤسسه منشورات کرامت، ۱۴۱۹ ق.

- جوهری، اسماعیل بن حماد، **الصحاح - تاج اللغة و صحاح العربیه**، چاپ اول، بیروت: دارالعلم للملایین، ۱۴۱۰ ق.
- حائری طباطبایی، سید علی بن محمد، **ریاض المسائل فی تحقیق الاحکام بالدلائل**، چاپ اول، قم: مؤسسه آل البيت ۱۴۱۸ ق.
- حسینی جرجانی، سید امیر ابوالفتح، **آیات الاحکام**، چاپ اول، تهران: انتشارات نوید، ۱۴۰۴ ق.
- حسینی شاه عبدالعظیمی، حسین بن احمد، **تفسیر اثنا عشری**، چاپ اول، تهران: انتشارات میقات، ۱۳۶۳ ش.
- حسینی همدانی، سید محمد حسین، **انوار درخشان**، چاپ اول، تهران: کتابفروشی لطفی، ۱۴۰۴ ق.
- حلی (عَلَمَه)، حسین بن یوسف بن مطهر اسدی، **قواعد الأحکام فی معرفة الحلال و الحرام**، چاپ اول، قم: دفتر انتشارات وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه، ۱۴۱۳ ق.
- حلی (محقق)، جعفر بن حسن، **شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام**، چاپ دوم، قم: مؤسسه اسماعیلیان، ۱۴۰۸ ق.
- حلی، ابن ادریس، محمد بن منصور بن احمد، **السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی**، چاپ دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه، ۱۴۱۳ ق.
- دیلمی، شیخ حسن، **ارشاد القلوب الی الصواب**، چاپ اول، قم: نشر شریف رضی، ۱۴۱۲ ق.
- طباطبایی، سید محمد حسین، **المیزان فی تفسیر القرآن**، چاپ پنجم، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه، ۱۴۱۷ ق.
- طبرسی، فضل بن حسن، **المؤتلف من المختلف بین أئمة**، چاپ اول، مشهد مقدس: مجمع البحوث الإسلامیه، ۱۴۱۰ ق.
- طریحی، فخرالدین، **مجمع البحرين**، چاپ سوم، تهران: کتابفروشی مرتضوی، ۱۴۱۶ ق.
- طوسی، محمد بن الحسن، **الخلاف**، چاپ اول، قم: دفتر انتشارات وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه، ۱۴۰۷ ق.
- طیب، سید عبدالحسین، **اطیب البیان فی تفسیر القرآن**، چاپ دوم، تهران: انتشارات اسلام، ۱۳۷۸ ش.
- عاملی (حر)، محمد بن حسن، **تفصیل وسایل الشیعه الی تحصیل مسائل**، الشرعیه، چاپ اول، قم: مؤسسه آل البيت ۱۴۰۹ ق.
- فیض کاشانی، ملّا محسن، **الأصفی فی تفسیر القرآن**، چاپ اول، قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۱۸ ق.
- مصطفوی، حسن، **تفسیر روشن**، چاپ اول، تهران: مرکز نشر کتاب، ۱۳۸۰ ش.
- مکارم شیرازی، ناصر، **تعزیر و گستره آن**، چاپ اول، قم: انتشارات مدرسه الإمام علی بن ابی طالب ۱۴۲۵ ق.

COPYRIGHTS

© 2023 by the authors. Licensee Islamic Azad University Jiroft Branch. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>)

ارجاع: آفایی بجستانی مریم، پیرنیا کرامت، رضوانی علی، بررسی مبانی قرآنی تخفیف مجازات، فصلنامه مطالعات قرآنی، دوره ۱۴، شماره ۵۴، تابستان ۱۴۰۲، صفحات ۹۷-۱۲۰.